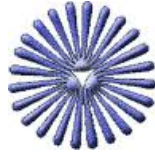


رسالة محمد



دانشگاه پیام نور تهران

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی (برنامه ریزی درسی)
دانشکده علوم انسانی

عنوان پایان نامه:

بررسی عوامل موثر بر کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد علوم تربیتی از دیدگاه
اعضای هیات علمی دانشگاه های تهران

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد آرمند

استاد مشاور:

آقای دکتر بهمن زندی

نگارش:

فریبا قیطاسی زاده

اسفند ۱۳۸۹

تقدیم به:

رہروان راہ علم و کسانی کہ زندگی خود را وقف توسعه و گسترش
آن می کنند.

تقدیر و تشکر:

سپاس بی پایان ایزدمنان را که به انسان قدرت تعقل و تفکر عنایت فرمود.
بدینوسیله لازم می دانم از زحمات استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد آرمند
و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر بهمن زندی که مراد تدوین این پایان نامه
راهنمایی فرمودند سپاسگزاری نمایم.
هم چنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر شبیری و جناب آقای دکتر ملکی که
داوری این پژوهش را قبول کردند کمال تشکر را دارم.
در پایان از تلاش و زحمات جناب آقای دکتر خانزاده استاد محترم دانشکده علوم
تربیتی دانشگاه تهران که از نظرات ارزنده ایشان بهره مند بودم، سپاسگزاری می نمایم.

چکیده

ارتقای کیفیت در آموزش عالی از رویکردهایی است که در دهه اخیر در بسیاری از نظامهای آموزش عالی و دانشگاه های جهان مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که کیفیت به عنوان یکی از ابعاد مهم نظام آموزشی، متاثر از عوامل متعددی است. لذا شناسایی و بررسی عوامل تاثیرگذار بر آن می تواند تاثیر به سزایی در ارتقاء و توسعه کیفیت در نظام آموزشی خواهد داشت. از این رو پژوهش حاضر به منظور بررسی پاره ای از عوامل موثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد علوم تربیتی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه های (دولتی) تهران انجام گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی برخی از عوامل آموزشی موثر بر افزایش کیفیت آموزشی در دوره های کارشناسی ارشد و ارائه پیشنهادی لازم به مسئولین و تصمیم گیرندگان آموزشی جهت بهبود کیفیت آموزشی انجام پذیرفته است. تعیین ارتباط عواملی که در پی خواهند آمد با کیفیت آموزش دانشگاهی، پرسش های این پژوهش را تشکیل می دهند. عوامل مفروض عبارتند از: ملاک های مورد عمل درگزینش استاد و دانشجو، شیوه های تدریس، فناوری اطلاعات و ارتباطات و امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی. برای پاسخگویی به سوالات پژوهش ۹ فرضیه تدوین گردید تا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد

جامعه آماری این پژوهش را کلیه اعضای هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه های (دولتی) تهران در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به تعداد ۱۲۹ نفر تشکیل می دهد. با توجه به اینکه نوع پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی می باشد، اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته که توسط اعضای هیات علمی تکمیل شده بود جمع آوری گردید. و با استفاده از برنامه کامپیوتری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، ...) و آمار استنباطی (t-test نمونه های مستقل و تک نمونه، تحلیل واریانس، ...) انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد:

- بین عوامل آموزشی ملاک های مورد عمل درگزینش استاد و دانشجو، شیوه های تدریس، فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکانات و تجهیزات آموزشی-پژوهشی و کیفیت آموزشی رابطه معناداری وجود دارد.

- از دیدگاه اعضای هیات علمی مجموع عوامل آموزشی مطرح شده: شیوه های تدریس، امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی، ملاک های مورد عمل در گزینش دانشجو و استاد، فناوری اطلاعات

و ارتباطات، در افزایش کیفیت آموزش دانشگاهی دارای تاثیر معنا دار بوده و از نظر میزان تاثیر به ترتیب فوق الذکر در اولویت‌های اول تا پنجم قرار دارند.

- بین نظرات اعضای هیات علمی درباره میزان تاثیر عوامل آموزشی مطرح شده بر افزایش کیفیت آموزش دانشگاهی، بر حسب جنسیت و رتبه های علمی آنان تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بر حسب دانشگاه‌های محل خدمت آنان تفاوت معناداری وجود دارد. در پایان با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاداتی ارائه گردید.

کلیدواژه: کیفیت آموزشی، عوامل آموزشی، دوره های کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، اعضای هیات علمی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات طرح پژوهش
۲	مقدمه
۴	بیان مساله
۸	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	اهداف پژوهش
۱۱	سوالات پژوهش
۱۱	تعریف اصطلاحات و واژه های مهم پژوهش
	فصل دوم: ادبیات پژوهش
	بخش اول: مبانی نظری
۱۹	مقدمه
۲۰	مفهوم کیفیت
۲۴	کیفیت در آموزش عالی
۲۶	دید گاههای کیفیت
۲۷	اهداف آموزش عالی
۳۱	تاریخچه آموزش عالی
۳۶	چالش ها و نقش آموزش عالی

۴۷	مولفه های کیفی درآموزش عالی درقرن بیست ویکم
۴۹	دانشگاه به عنوان یک سیستم
۵۰	عملکرد سیستم دانشگاه وکارایی آن
۵۴	مفهوم کیفیت آموزشی
۵۵	کیفیت آموزش دانشگاهی
۵۸	ارزشیابی
۵۹	ارزشیابی آموزش عالی
۶۱	رویکردهای ارزشیابی آموزش عالی
۶۳	پیشینه ارزشیابی آموزش عالی درکشورهای مختلف
۶۶	ارزیابی کیفیت گروه آموزشی
۶۷	عوامل موثربرکیفیت آموزشی
	بخش دوم:پیشینه پژوهش
۸۹	الف)پیشینه پژوهش های داخلی
۹۱	ب) پیشینه پژوهش های خارجی
	فصل سوم:روش پژوهش
۹۶	مقدمه
۹۶	روش پژوهش

۹۶	جامعه آماری
۹۶	نمونه آماری
۹۶	روش و ابزار جمع آوری اطلاعات
۹۸	تعیین روایی و پایایی
۹۹	روش تجزیه و تحلیل داده ها
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده های تحقیق	
۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	تجزیه و تحلیل داده های پژوهش
۱۰۲	بخش توصیفی
۱۰۳	ویژگی های فردی اعضای هیات علمی
۱۰۶	بررسی توزیع فراوانی داده ها بر مبنای سوالات پرسشنامه
۱۳۲	تحلیل متغیرهای آموزشی در پرسشنامه
۱۳۴	بخش استنباطی (پاسخ به سوالات پژوهش)
فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	
۱۴۶	مقدمه
۱۴۶	بررسی نتایج سوالات پژوهش
۱۵۵	پیشنهادات کاربردی
۱۵۷	پیشنهادات پژوهشی

۱۵۸	محدودیت و مشکلات پژوهش
۱۵۸	فهرست منابع فارسی و انگلیسی
۱۶۹	پیوست

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۹۸	جدول (۱-۳) توزیع سوالات مرتبط با هر عامل آموزشی در پرسشنامه
۱۰۳	جدول (۱-۴) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک دانشگاه
۱۰۴	جدول (۲-۴) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک جنسیت
۱۰۵	جدول (۳-۴) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک رتبه علمی
۱۰۶	جداول (۴-۴) تا (۲۹-۴) توزیع فراوانی پاسخها بر مبنای سوالات ۱ تا ۲۶ پرسشنامه
۱۳۲	جدول (۳۰-۴) میانگین و انحراف معیار متغیرهای آموزشی
۱۳۴	جدول (۳۱-۴) نتایج آزمون دو جمله ای برای سوال ۱ تا ۵ پژوهش
۱۳۵	جداول (۳۲-۴) تا (۳۶-۴) توزیع فراوانی پاسخها برای سوال ۱ تا ۵ پژوهش
۱۳۸	جدول (۳۷-۴) نتایج آزمون دو جمله ای برای سوال ۶ پژوهش
۱۳۹	جدول (۳۸-۴) نتایج آزمون t-test برای فرضیه ۶ پژوهش
۱۴۰	جدول (۳۹-۴) نتایج آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه ۷-۱ پژوهش
۱۴۰	جداول (۴۰-۴) و (۴۱-۴) مربوط به نتایج آزمون توکی برای فرضیه ۷-۱ پژوهش

- ۱۴۱ جدول (۴-۴۲) نتایج آزمون تحلیل واریانس برای فرضیه (۷-۲) پژوهش
- ۱۴۲ جدول (۴-۴۳) نتایج آزمون t-test برای فرضیه (۷-۳) پژوهش
- ۱۴۳ جدول (۴-۴۴) اولویت بندی متغیرهای آموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۰۳	نمودار (۴-۱) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک دانشگاه
۱۰۴	نمودار (۴-۲) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک جنسیت
۱۰۵	نمودار (۴-۳) توزیع نمونه آماری اعضای هیات علمی به تفکیک رتبه علمی
۱۰۶	نمودارهای (۴-۴) تا (۴-۲۹) مربوط به سوال ۱ تا ۲۶ پرسشنامه
۱۳۳	نمودار (۴-۳۱) میانگین و انحراف معیار متغیرهای آموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی

فصل اول:

کلیات طرح پژوهش

آموزش عالی^۱، با پیشینه ای به قدمت بیش از ۸۰۰ سده به عنوان نهادی کلیدی مورد توجه خاص ملت ها و دولت ها است و به جرات می توان گفت در میان نهادهای اجتماعی و اقتصادی ظرف چند سال اخیر پیاپی به عرصه وجود گذاشته اند، تنها تعداد انگشت شماری توانسته اند مانند دانشگاه ها دوام آورند و پایدار بمانند. دانشگاه از پرارزش ترین نهادهایی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. دانشگاه ها از یک سو حافظ و انتقال دهنده میراث فرهنگی و ارزش های حاکم بر جامعه اند و از سوی دیگر نیازهای اجتماعی برای کسب اشاعه و توسعه دانش و فناوری می باشند. (محمدی و همکاران، ۸۴، ص ۱۱)

آموزش عالی یکی از مهم ترین نهادها در جهت آموزش، توسعه و تامین انسانی و رکن اصلی در پیشرفت و توسعه همه جانبه هر کشوری می باشد. این نهادها، دارای کارکردها و وظایف عمده ای در راستای رشد و توسعه پایدار است و به عنوان یک نهاد ساختارمند، نیازمند ملاحظه علمی تمام بخش ها و جنبه های مختلف آن می باشد. دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، همواره به عنوان بالاترین مرکز اندیشه و تولید علم محسوب می شوند و با حضور و فعالیت اندیشمندان، متفکران، دانش پژوهان و دانشجویان در اعتلای علمی و جهت بخشیدن به حرکت های فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه، نقش اساسی دارند.

با توجه به جایگاه مذکور، روند تغییرات ساختاری در آموزش عالی از چند دهه گذشته شروع شده است، افزایش جمعیت، گسترش آموزش همگانی ابتدایی و متوسطه، همراه با رشد طبقه متوسط بر فراوانی تقاضا برای ورود به دانشگاه با نرخی روبه تزایدی افزوده است. خصوصاً گسترش روزافزون فناوری در زمینه ارتباطات و اطلاع رسانی، جامعه بشری را با نیازهای جدیدی روبه روست. در این شرایط، نقش موثری از دانشگاه برای پاسخگویی به این نیازها انتظار می رود. دانشگاه ها به منظور به انجام رساندن وظایف خطیر و پویایی و ارتقای خود نیازمند برنامه ریزی توسعه ای و راهبردی، بهبود فرایندها و روش و کنترل مستمر کیفیت است. (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۰)

در همه کشورها هدف توسعه، بهبود زندگی انسان و ارتقاء کیفیت آن با توجه به آرمانها و ارزشهای مورد قبول آنهاست. توسعه، حرکتی مستمر و پویا به منظور افزایش توانایی انسانها در رفع نیازهای مادی و معنوی از طریق گسترش متوازن ساختارها و نهادهای اجتماعی است. محرک اصلی در توسعه جامعه

^۱-Higher Education

دانش‌های نوین، ایده‌های تازه و آرمان‌های جدید است. آموزش عالی منبع تولید اندیشه، دانش و ایده‌های نو است. نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی کشورها، چه در اقتصادهای مبتنی بر تکنولوژی‌های پیشرفته و چه در کشورهای تازه صنعتی شده و در حال توسعه، چشمگیر و بی‌بدیل ارزیابی می‌شود. (کیوانی، ۱۳۸۳، پیشگفتار)

گفته می‌شود که در عصر جهانی شدن، دانش عامل کلیدی در افزایش بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی است. پیتر دراکر^۱ (۱۹۸۹)، بیان داشته است که دانش، سرمایه اصلی برای توسعه اقتصادی است. در عصر اقتصاد، مبتنی بر دانش، یکی از مجادلات اصلی بین گروه‌های ذی‌نفع مساله ارتباط بین نظام‌های آموزشی و مهارت‌سازی و اقتصاد می‌باشد. علی‌رغم تنوع نظام‌های اقتصادی که هم‌اکنون نظام‌های آموزشی رابه خدمت گرفته‌اند، کلیه کشورها با مسائل نسبتاً مشابهی در امر کیفیت روبرو شده‌اند. از این رو، سازمان‌های دولتی و خصوصی به وضوح اهمیت پایه‌ریزی نظام‌های تولید دانش، نوآوری، کارآفرینی و اشاعه دانش پی‌برده‌اند. چنین تغییری در ساختار اقتصادی کشورها و سازمان‌ها منجر به تغییر مساله کیفیت محصولات و خدمات آنان شده است. در چنین دوره‌ای، آموزش عالی نیز به شدت با چنین تغییراتی مواجه شده است. به هر حال، طرح مساله کیفیت در آموزش عالی و دانشگاه‌ها به دوره میانه اروپا و تجربه‌ی دانشگاه‌های آلمان در قرن نوزدهم باز می‌گردد. در بسیاری از کشورها و موسسات آموزش عالی، موضوع مدیریت کیفیت به عنوان یکی از مسائل اساسی مطرح بوده است. بنابراین، در این زمینه ما با انبوهی از مطالعات و پژوهش‌های مختلف در باب مساله کیفیت روبرو هستیم. (مهرعلی زاده، ۱۳۸۷، ص ۵۶)

در آستانه قرن بیست و یکم نظام‌های آموزش عالی اغلب کشورهای جهان، از جمله ایران بهبود و ارتقای کیفیت خود را مورد توجه قرار داده‌اند. این امر به واسطه آن است که توجه به ارزش عملی دانش و کاربرد آن در تمام عرصه‌های جامعه اهمیت ویژه‌ای یافته است. لیبلین و همکاران^۲ (۲۰۰۰) می‌گویند در جهان امروز دانش و دانستن مسئله مهم در توسعه پایدار نیست، مشکل شکاف بین دانستن و عمل کردن است. در چنین شرایطی دانشگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند مهارت‌ها و قابلیت‌های مناسب برای انتقال دانش و بکارگیری آن می‌باشند. در جهان امروز سعی دانشگاه‌ها بر این است که انتظارات جامعه خود را بیشتر درک کنند و در جهت برآوردن نیازهای جامعه و نیز هماهنگی با تحولات علمی و فناوری جهانی کارآمدی بیشتری داشته باشند. می‌توان گفت از جمله عوامل موثر بر توجه روزافزون به

^۱- Draker.P

^۲-Liblein,etal

بهبود و ارتقای کیفیت دانشگاه ها، نگرانی های دولت و جامعه درباره استانداردهای دانشگاهی، افزایش کمی دانشجویان و کاهش بودجه سرانه دانشجویان می باشد. (حجازی، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

با توجه به مطالب فوق، یکی از مهم ترین راه های ارتقای کیفیت، بررسی و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر کیفیت آموزشی است، چرا که این امر مدیران آموزشی را جهت اتخاذ تدابیر مناسب برای رفع مشکلات آموزشی کمک خواهد نمود. بنابراین به نظرمی رسد شناسایی عوامل موثر از دیدگاه اعضای هیات علمی یک امر ضروری است.

۱-۲- بیان مسئله

دانش همان قدرت است؛ این سخن فرانسویس بیکن از شاخص ترین دعاوی ظهور دنیای مدرن بود. چند سده طول کشید، تا الوین تافلر^۲ با تعبیر «جابجا شدن قدرت»^۳ از عصر فناوری اطلاعات بحث کرد که در آن، قدرت و ثروت ملل موكول و مبتنی بر سهم آنها در تولید و مبادله «دانش جهانی» شده است. بدین ترتیب در جامعه دانش، کیفیت دانشگاه و آموزش عالی، به مساله ای راهبردی، برای بقا و توسعه و حاکمیت سرزمینی ملت ها، بدل شده است. به طوری که بدون آن امکان اداره خوب کشور (از ترافیک تا نظام سلامت، تا پیشرفت و رضایت عمومی و امنیت ملی) فراهم نمی آید. (فراستخواه، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

امروزه موضوع بهبود کیفیت آموزش دانشگاهی، جزء لاینفک گفتارهای سیاسی و اداری کارگزاران مرتبط با مدیریت آموزش عالی کشور است، بی آنکه توجهی به مفهوم کیفیت و سازوکارهای لازم برای بهبود آن شده باشد. حتی در برخی از سازمان ها گفته می شود که تا به حال سیاست دانشگاه بر رشد کمی متکی بوده است و از این پس توجه به رشد کیفی خواهد بود، هر اقدام کمی اثرهای کیفی خود را به همراه دارد، لذا زمانی که گفته می شود که رشد کمی وجود داشته است باید اضافه شود که این رشد کمی حتماً آثار کیفی خود را، هر چند هم نامطلوب، بر جا گذاشته است. (یمنی، ۱۳۸۰، ص ۹۲)

از آنجائیکه کیفیت، هزینه و بهره وری همواره به عنوان سه عامل اساسی مورد توجه مدیریت سازمان ها و موسسات بوده است، اما بحث کیفیت بیش از دو عامل دیگر مورد توجه و دقت قرار گرفته، چرا که نظر بر این است که عوامل هزینه و بهره وری به نوعی تحت تاثیر عامل کیفیت قرار می گیرند. اگر کیفیت به

¹-Beyken.F

²-Toffler.E

³-power-shift

طور مطلق بهبود یابد، هزینه کاهش یافته و بهره وری افزایش خواهد یافت. (کی، هو، ساموئل، ۱۳۷۹، ص ۱)

تحولات و چالش های جهانی و محلی در دو دسته اخیر نظیر جهانی شدن، ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقتصاد مبتنی بر دانایی، تغییرات جمعیتی و افزایش تقاضا برای آموزش عالی، عدم تمرکز، تکثیر نهادهای مردمی از یک طرف و محدودیت منابع مالی از طرف دیگر، به تغییرات ساختی کارکردی عمده ای در نظام های آموزش عالی جهان منجر شده است. چالش های مذکور از یک طرف، دگرگونیهای سازمانی نظیر استقلال و خود تنظیمی مراکز آموزش عالی را سبب شده و از طرف دیگر، تقاضا برای بهبود کیفیت و پاسخگو شدن این مراکز را افزایش داده است. (محمد زاده و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

در کشور ایران مطابق برنامه چهارم توسعه، مقرر شده است که شاخص ثبت نام در آموزش عالی از نرخ ۱۸/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۸ برسد و این مستلزم رشد بسیار سریع و زیاد تعداد دانشجویان و برنامه های آموزش عالی است، و چنانچه فرایندی برای اطمینان از کیفیت نهادینه نشود، در معرض اتلاف منابع مادی و انسانی، به تعویق افتادن دستیابی به اهداف توسعه کشوری و درماندگی نظام ملی دانش و نوآوری قرار خواهیم گرفت. (فراستخواه، ۱۳۸۷، ص ۶۸)

طی سالهای گذشته، آموزش عالی در ایران به رشد کمی شتابانی سوق یافته است، اما متناسب با آن سازوکارهای موثری برای پایش کیفیت وجود نداشته است. البته یادگیری در سطح عالی حق شهروندان ایرانی است و افزایش دسترسی به آموزش عالی در سطح کشور و در میان همه قشرها، چیزی است که باید برای آن سیاستگذاری و ظرفیت سازی شود. (فراستخواه، ۱۳۸۸، ص ۴۶)

برای نظام آموزش عالی به طور اعم و نظام های دانشگاهی به طور اخص سه کارکرد اصلی مورد نظر قرار می گیرد: الف) تولید دانش، نشر و تسهیل کاربرد آن؛ ب) تربیت نیروی انسانی (وج) عرضه خدمات تخصصی. در راستای کارکرد یاد شده از دانشگاه ها انتظار می رود که عملکردشان پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و نقش قابل توجهی در توسعه پایدار کشور ایفا نمایند. علاوه بر آن در چند دهه اخیر با افزایش تعداد داوطلبان از اقسام مختلف جامعه برای ورود به دانشگاه ها و پذیرش نسبتاً بیشتری از آنان، کیفیت فعالیت ها تحت تاثیر قرار گرفته است. این امر هر چند هزینه های دانشگاه ها را افزایش داده، اما منابع محدود مالی همگام با آن افزایش نداشته است. از طرف دیگر در دوران حاضر، دانشگاه ها با چالش های مختلفی از قبیل جهانی شدن و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات روبرو شده اند. در این شرایط چنانچه دانشگاه ها بخواهند به طور مطلوب به ایفای مأموریت های خود بپردازند، لازم است اطمینان ذینفعان خود (جامعه، دولت، اعضای هیات علمی، دانشجویان و...) را نسبت به این موضوع که کوشش

های دانشگاهی از کیفیت لازم برخوردار است، جلب کنند و از سازوکارهای لازم برای بهبود کیفیت استفاده نمایند. (حجازی، ۱۳۸۶، پیشگفتار)

بنا به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، آموزش عالی وارد دوران جدیدی شده است که «رقابت» و «کیفیت» از مشخصه اصلی آن محسوب می شود. فیگنباوم^۱ از پایه گذاران مدیریت کیفیت، معتقد است «کیفیت آموزشی» عاملی کلیدی در «رقابت پنهان» بین کشورهاست، چراکه کیفیت محصولات و خدمات در هر کشور بر اساس نحوه تفکر، عمل و تصمیم گیری مدیران، معلمان، اقتصاددانان، مهندسان و سایر گروه های تحصیل کرده اجتماع شکل می گیرد. از طرف دیگر، خودآموزش و بخصوص آموزش عالی نیز در بسیاری از کشورها به محیطی رقابتی کشیده شده است، رقابتی که، به گفته فریمان^۲، نتیجه گسترش بازارهای جهانی آموزش عالی از یک سو، کاهش حمایت های مالی دولتها از بخش آموزش عالی از سوی دیگر بوده است. بنابراین دانشگاه ها برای بقای خود راهی جز افزایش کیفیت و درعین حال، کاهش هزینه ها ندارند. با وجود این مسئله، کاهش کیفیت آموزشی یکی از مسایل عمده ای است که در سال های اخیر، برنامه ریزان آموزشی (به ویژه در کشورهای جهان سوم) با آن روبه رو بوده اند. (صالح اولیاء، ۱۳۸۷، ص ۲۸)

با توجه به اینکه یکی از مسائل مهم کنونی جامعه ما کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر برای تامین نیاز بخش های مختلف کشور است، نتایج تحقیقات و بررسی های انجام شده حاکی از آن است که دانشگاههای ایران از نظر کیفیت آموزشی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار ندارد. چراکه کیفیت پایین آموزشی به کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر نیز می انجامد؛ در نتیجه، اهداف برنامه های رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با مشکلاتی مواجه می شود. باید توجه داشت که این افت کیفیت به نوعی در کشورهای دیگر نیز وجود دارد و متخصصان امر آموزش آن را تصریح نموده اند.

با توجه به مشکلات فراروی آموزش عالی که منجر به افت کیفیت آموزشی دیده شده است، شاید مهم ترین گزینه برای مواجهه با این مسئله پذیرش، پیش بینی مشکلات پیاده سازی نظام برنامه ریزی مناسب باشد. (عزیزی، ۱۳۸۷، ص ۹۶)

دغدغه کیفیت در آموزش عالی به معنای عام آن قدمتی به درازای خود آموزش عالی دارد، چرا که آموزش عالی بنا بر سرشت آن فعالیتی پیچیده و کیفی است اما ضرورت نهادینه شدن فرایند اطمینان از کیفیت در آموزش عالی و رشد کمی بسیار زیاد آن همراه با محدودیت منابع عمومی و شرایط روز به روز رقابتی ترازیک سو و اهمیت یافتن فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور اقتصاد دانش از سوی

^۱-Feigenbaum

^۲-Freman

دیگراز جمله عواملی بودن که کیفیت رابه یکی ازچالش های مرکزی آموزش عالی مبدل ساخته اند.(اسحاقی، ۸۵، ص ۴۳)

امروزه کیفیت درراس امور سازمانها قرارداد و بهبود کیفیت ازدغدغه های اصلی آنهاست. شناسایی نقاط ضعف وقوت، تشخیص فرصتها وتهیدیدا وتلاش برای بهبود وضع موجود ورسیدن به وضع مطلوب وكسب جایگاه برتر ازاهم وظایف سازمانها ازجمله دانشگاهها می باشد. لذاکیفیت آموزشی دانشگاه هانیازمندی شناسایی عوامل موثربرکیفیت آموزشی می باشد.

ازآنجائیکه موضوع کیفیت وبهبود آن به یکی ازچالش های اصلی پیش روی نظامهای دانشگاهی دردوده اخیر تبدیل شده است. انتظارمی رود که نظامهای دانشگاهی وضعیت موجود خود ومیزان مطابقت آن با وضعیت مطلوب(اهداف واستاندارد ها)رامورد توجه قراردهند، عدم مطابقت ها راتشخیص داده وبرای رفع آن چاره جویی کنند.(فتحی واجارگاه ورحمانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸)

درصورتی که کیفیت آموزش عالی وبه خصوص دوره های کارشناسی ارشد مطلوب نباشد فارغ التحصیلان با مدارک علمی مختلف، قادربه انجام برنامه ها ووظایف تخصصی خود نخواهند بود ودرعمل ممکن است خسارات وضایعاتی به بارآورند. دراین حالت آینده علمی کشوراطمینان بخش نخواهد بود، زیرا افت کیفیت آموزشی دردوره های کارشناسی ارشد به کمبود نیروهای انسانی ماهرومتخصص می انجامد، فرارمغزها راسرعت می بخشد وموجب وابستگی به سایرکشورها می شود وبرنامه های رشد وتوسعه اقتصادی-اجتماعی کشوررا با مشکلات جدی مواجه می سازد. اهمیت نیروهای دانشگر ومتخصص جامعه به عنوان عامل اصلی مزیت رقابتی وپیشتازی آن درعرصه رقابت ونقش این نیروها درتوسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وسیاسی واقعیتی بدیهی است وتوجه به پرورش این نیروها ضرورتی غیر قابل انکار است.(ابیلی، ۱۳۸۱، ص ۸)

شرایط کنونی کیفیت درحوزه آموزش عالی، توجه به شاخص های کیفی جامع تری را برای بهبود اجتناب ناپذیر ساخته است، به عبارت دیگر، چنانچه دانشگاه بخواند درعصرکنونی به خوبی عمل کند، توجه بیشتربه عواملی چون توانمندی استادان، دانشجویان، روش های تدریس، فناوری اطلاعات وارتباطات، امکانات آموزشی وپژوهشی و... ضروری است.

این پژوهش درصدد بررسی عوامل موثر برکیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشدعلوم تربیتی ازدیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاههای(دولتی) تهران، وارائه پیشنهادهای کاربردی برای بهبود آن می باشد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

در گذشته دور، نظام های آموزش عالی در اغلب نقاط جهان، به وسیله سرآمدان هر کشور ایجاد می شد و نهادی برای پرورش آنان بود. بنابراین روال، دوره ها و برنامه های آموزشی متناسب با منظور یاد شده، تنظیم و اجرا می شدند. بدین سان، قضاوت درباره کیفیت آموزش عالی امری پیچیده نبود.

در دهه گذشته، افزایش جمعیت و سایر عوامل، موجب افزایش تقاضا برای آموزش عالی گردید. نظام های آموزش عالی برای برآوردن تقاضای اجتماعی داوطلبان، امتیازاتی برای اقشاری که کمتر از فرصت های آموزشی بهره مند بودند، منظور کردند. بدین ترتیب، جمعیت دانشجویی، چندین برابر در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی افزایش یافت و ترکیب اجتماعی آنان متفاوت گردید. از این رو، در نیازهای جمعیت دانشجویی نیز تغییراتی پدید آمد؛ به طوری که ضرورت یافت آموزش عالی این نیازها و تحولات را مدنظر قرار دهد و تعدیل لازم را در برنامه های خود اعمال کند. در صورتی که در نظام آموزش عالی چنین تعدیلی به انجام رسیده و «تناسب آن با هدف های مورد نظر» تایید شده باشد، می توان گفت آن نظام یکی از ابعاد کیفیت آموزش عالی را رعایت کرده است. (بازرگان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴)

می توان گفت آموزش عالی در دهه گذشته با چالش ها و مسائل متعددی مواجه شده است. گسترش کمی دانشگاه ها، کثرت موسسات آموزشی متنوع، افزایش تعداد دانشجویان و گاه وجود خیل عظیم دانش آموخته بیکار از جمله چالشهایی هستند که نظام آموزش عالی ایران را با مشکلات عدیده ای مواجه نموده است. گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت های موجود و توان بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، کاهش کیفیت نظام آموزش عالی را نیز به دنبال خواهد داشت. در واقع نمی توان گسترش کمی و ازدیاد تعداد دانشجویان و دانش آموختگان را دلیلی بر وجود کیفیت مطلوب دانست. این چالش ها لزوم مسئولیت پذیری و پاسخگویی را در نظام آموزش عالی ایران منجر شده است و نظام دانشگاهی را وادار به بازاندیشی در ساختار، رسالت، اهداف، کارکردها و فرایندهای خود نموده است. از آنجا که دانشگاهها از جمله مهمترین نهادهایی هستند که جوامع جهت رشد و توسعه به آنها نیاز دارند شفافیت، پاسخگویی و بهبود کیفیت در آنها الزامی است.

تحولات عصر اطلاعات و جهانی شدن، به علاوه ظهور اقتصاد دانش، موجب شده که آموزش عالی در همان حال که نقش و جایگاه تعیین کننده تری از حیث ثروت و سرمایه ملت ها و توسعه جوامع، پیدا کرده است، در شرایط رقابتی تری نیز قرار گرفته است. فراگیر شدن آموزش عالی و محدودیت هزینه های عمومی، حساسیت ذینفعان را نسبت به کیفیت آموزش عالی و ارزش افزوده آن افزایش داده

است، و روزبه روز آموزش عالی بیشتر بر «شرایط بازاری» حاکم می شود. به همان میزانی که تقاضا برای آموزش (چه در سطح اجتماعی و چه در سطح دولت و بنگاه) بیشتر می شود، حساسیت نسبت به کیفیت فرایندها و بروندهای دانشگاهی نیز افزایش پیدا می کند. فرایند تمرکززدایی نیز از سوی دیگر سبب شده است که دولت ها در ازای اختیاراتی که به دانشگاه ها تفویض می کنند، انتظار پاسخگویی عمومی از آن ها داشته باشند. موسسات آموزش عالی به دلیل ضرورت های تقاضاگرایی، مشتری گرایی، تعامل با جامعه و جهان کار و تناسب با نیازهای متحول و انتظارات نوپدید، و تنوع بخشیدن به منابع مالی، با مساله کیفیت دست به گریبان هستند. (فراستخواه و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲)

کیفیت آموزشی و پژوهشی از جمله دغدغه هایی است که همیشه نظام های دانشگاهی برای دستیابی به آن تلاش می کنند، کوشش های قابل توجهی نیز در زمینه ارتقای مستمر کیفیت آموزش عالی و دستیابی به هدف های نظام های دانشگاهی در دو دهه اخیر، در بسیاری از کشورها به عمل آمده است. (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۲)

هنگامی که از بهبود و ارتقای سخن می گوئیم، پیشاپیش پذیرفته ایم که از وضع موجود راضی نیستیم و یا به تعبیر دیگر آن را مطلوب نمی دانیم و در هر صورت خواهان تغییر آن در جهت اعتبار (کیفیت) بیشتر هستیم. یک نظام آموزشی (گروه/ دانشکده/ دانشگاه) زمانی با کیفیت (معتبر) شناخته می شود که فاقد هرگونه کژی و کاستی باشد، چرا که این کژی و کاستی ها در یک نظام به منزله نواقص و عیوب آن بوده و در نتیجه نتایج مطلوب و به عنوان برونداد و یا پیامد از آن نظام حاصل نخواهد شد. جهت برطرف کردن هرگونه نارسایی و کاستی در یک نظام، قدم اول تشخیص نارسایی و علل آن است. (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۲)

توجه به کیفیت آموزش عالی از سه نظر حائز اهمیت است: اول آنکه علوم و تکنولوژی دائماً در حال تغییر و تحول است و توجه صرف به کمیت، نظام آموزشی را ایستا می سازد. دوم آنکه برای هدیرنرفتن نیروهای عظیم انسانی، منابع مادی و مالی بکاررفته هماهنگی بین توسعه نظامهای آموزشی و کارایی آن لازم است و در آخر اینکه اصلاح ساختار، شیوه ها و اهداف آموزش عالی بدون در نظر گرفتن و همراه نمودن آن با کیفیت آموزشی یکسری اصلاحات ظاهری بوده و دگرگونی بنیادی رابه دنبال نخواهد داشت. نتایج تحقیقات و بررسیهای انجام شده نشان داده است که کیفیت آموزش عالی ایران در سطح مطلوب قرار ندارد. (همان منبع، ص ۳۳۱)

بدیهی است جهت ارتقای کیفیت آموزشی، اولین گام بررسی و شناسایی عوامل موثر بر کیفیت آموزشی و کشف علل کمبود کیفیت توسط متخصصان آموزشی است.